

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۹/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۱۵

صص ۴۷۳-۴۸۳

## واکاوی نقایص و مشکلات مربوط به نظام حل اختلاف حقوق دریاها

### در کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

#### مریم شمعوئی اهوازی<sup>۱</sup>، دکتر منصور عطاشنه<sup>۲\*</sup>، دکتر باسَم موالی زاده<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبی، امارات متحده عربی.

۲- استادیار گروه حقوق، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران

۳- استادیار گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

### چکیده

با نگاهی با تاریخچه حقوق در می‌یابیم که حوزه حقوق دریاها یکی از قدیمی‌ترین شاخه‌ها حقوق بین-الملل عمومی محسوب می‌شود؛ کاربردهای چندگانه دریاها، موجب گردید این بخش وسیع از کره زمین از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شود؛ دریاها که در گذشته تنها وسیله ارتباط و مواصلاتی محسوب می‌شدند؛ تردیدی نیست که بررسی ابعاد مختلف حقوق کشورها در دریاها حائز اهمیت بسیار خواهد بود. این موضوع از آن جهت اهمیت مضاعف می‌یابد که همچنان بر سر مالکیت نواحی مختلف دریایی و نحوه بهره‌برداری از آن اختلافات جدی میان کشورها وجود دارد. مسئله اصلی در این مقاله این مطلب می‌باشد که یک نظام حل و فصل اختلاف باید توانایی حل و فصل تمامی اختلافات میان اعضاء را داشته باشد و تمامی اختلافات را به صورت مسالمت‌آمیز با رضایت تمامی طرف‌های حل و فصل اختلاف حل کند؛ در این راستا حقوق دریاها فاقد شرایط لازم برای یک نظام اجباری جامع و کامل حل و فصل اختلاف‌ها می‌باشد؛ همچنین قواعد ماهوی کلی و انعطاف پذیر آن باعث عدم شناخت واقعی دولت‌ها و نهادهای حقوقی از تکالیف و حقوق ماهوی شده و این مسئله به عنوان یک عنصر بازدارنده در آراء کاملاً مشهود است. از سوی دیگر عملکرد دولت‌ها و کشورهای ساحلی به گونه‌ای بوده است که نه تنها این نواقص را پوشش نمی‌دهد بلکه در تشدید آن نیز مؤثر بوده است. در این راستا اصلی‌ترین مسئله این نکته می‌باشد که قواعد کلی و غیر منجز آراء قضایی را غیرقابل پیش‌بینی نموده و به عنوان یک عامل بازدارنده عمل می‌کند. حقوق دریاها تا زمانی که نتواند راهکاری برای حل این مسئله داشته باشد نمی‌تواند این اختلافات را به صورت قاطع بر طرف کند در این راستا از نظر محقق ساختار درونی نظام مذکور و قواعد ماهوی از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد؛ از این نگارندگان در این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی به واکاوی نقایص و مشکلات مربوط به نظام حل اختلاف حقوق دریاها با تأکید بر کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها خواهند پرداخت.

**واژگان کلیدی:** حقوق دریاها، کنوانسیون ۱۹۸۲، مناطق ساحلی، اختلافات بین‌المللی.

### مقدمه

حل و فصل اختلاف حقوق دریاها در کنوانسیون ۱۹۸۲ مسئله‌ای است که سال‌های متمادی مورد بحث فراوان قرار گرفته است و در این راستا نظریات فراوانی در مورد عملکرد آن بیان شده است. در این راستا وجود پرونده‌هایی که با گذشت طول زمان همچنان بی نتیجه مانده‌اند عملکرد سیستم حل و فصل اختلاف در این کنوانسیون را زیر سؤال برده است.

وجود راه حل‌های گوناگون طبق کنوانسیون ۱۹۸۲ برای حل و فصل اختلافات در حقوق دریاها مانند مذاکرات و کمیسیونهای تحقیق و سازش، داوری، سازش، حل و فصل اجباری اختلافات، دادگاه‌های داوری طبق ضمیمه هفتم، دیوان ویژه داوری طبق ضمیمه هشتم و اقدامات تامینی از جمله روش‌ها و راهکارهایی هستند که برای حل و فصل اختلافات مورد بررسی قرار می‌گیرند.

در این راستا معاهده ۱۹۸۲ نسبت به روش حل و فصل اختلاف‌های پیش نهادی خود تعصب نداشته، دولت‌های عضو را در هر زمان قبل یا بعد از وقوع اختلاف در جایگزین نمودن روش حل و فصل جدید آزاد گذاشته است. به عبارت دیگر آنچه در کنوانسیون ۱۹۸۲ موضوعیت دارد، حل و فصل اختلاف‌ها به شکل مسالمت‌آمیز بوده، اینکه چه روشی را طرف‌های اختلافی بر می‌گزینند از جنبه طریقت برخوردار است. در صورتی که طرف‌های اختلاف روشی خارج از کنوانسیون را برگزیدند. نسبت به روش مذکور در فصل پانزدهم ارجح می‌باشد. طرف‌های اختلاف برای انتخاب روش‌های حل و فصل دارای اختیار تام می‌باشند. آن‌ها می‌توانند در هر زمان، به جای اجرای مقررات مذکور در فصل پانزدهم، روش مسالمت‌آمیز دیگری را برگزیده‌اند برای حل اختلاف استفاده نمایند.

### ۱. حل و فصل اختلافات دریایی به وسیله کنوانسیون ۱۹۸۲

با توجه به دامنه دار بودن مسائل و مشکلات مربوط به حقوق دریاها و اختلافات ناشی از آن دول مجاور و مقابل در دریاها امکان دارد در مورد مرزهای مناطق دریایی خود توافق نداشته باشند. ممکن است دولتی مدعی حق انجام مانور نیروی دریایی‌اش در منطقه انحصاری اقتصادی دولت دیگری شود که کشور مقابل منکر وجود چنین حقی باشد. برخی ماهیگیران امکان دارد حق دول خارجی را برای بازداشتشان به خاطر ماهیگیری در ۵۰ مایلی سواحل آن‌ها، زیر سوال ببرند. معهدا دولت‌ها متعهدند که اختلافات خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز، مثل مذاکره، میانجیگری، سازش، کمیسیون‌های تحقیق، داوری یا روش‌های قضایی حل و فصل کنند.

#### ۱-۱. حل و فصل اجباری اختلافات

دولت‌ها می‌توانند به هنگام امضای کنوانسیون ۱۹۸۲ و یا در موعد دیگری، یک یا چند مرجع زیر را برای حل اختلافات بپذیرند: (۱) دیوان بین‌المللی حقوق دریاها (۲) دیوان بین‌المللی دادگستری (۳) دیوان داوری، که طبق ضمیمه هفتم کنوانسیون تاسیس شده و یا برای انواع معینی از اختلافات تعیین شده است. (۴) دیوان داوری ویژه، که طبق ضمیمه هشتم کنوانسیون تاسیس می‌شود (ماده ۲۸۷).

#### ۱-۲. حل و فصل اختلاف بر طبق بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

به طور کلی، نظام حل و فصل اختلاف مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ دارای ۴ عنصر اصلی است:

الف) این نظام حل و فصل اختلاف، یک نظام ثانوی است، بدین معنا که طرفین اختلاف در بادی امر مکلف به تبادل دیدگاه‌های خود و انجام مذاکرات پیش از توسل به آیین‌های اجباری هستند. آنگاه آنان می‌توانند به انتخاب خود توافق کنند که روش‌های حل و فصل مسالمت‌آمیز دیگری را برای فیصله اختلاف خود وفق مواد ۲۸۰ و ۸۱ کنوانسیون برگزینند. کنوانسیون در ماده ۲۸۴ به صراحت مقرر

می‌دارد که طرفین اختلاف می‌توانند از طریق انعقاد موافقتنامه توافق کنند که به جای آیین‌های مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون به صلح و سازش غیرالزام‌آور، متوسل شوند.<sup>۱</sup>

افزون بر این، هر توافقنامه چند جانبه یا دوجانبه که متضمن توسل یکجانبه به یک آیین جایگزین، با تصمیمی الزام‌آور باشد، موجب مستثنی شدن آیین‌های مقرر در بخش پانزدهم خواهد شد.

در این راستا ثانوی بودن این نظام بدین معناست که چنانچه طرفین پیش از این توافق نموده‌اند که به روش دیگری رجوع کنند و به روش مقرر در بخش پانزدهم متوسل نشوند، این امکان را از خود سلب نموده‌اند که به طور یکجانبه در آینده به نظام بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای توسل جویند.

ب) دوم اینکه، صلاحیت برطبق بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای اجباری است؛ بدین معنی که هر یک از طرف‌های اختلاف می‌تواند به طور یکجانبه بدان توسل جوید.

ج) سوم اینکه، در مواردی که بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مجری است، برآیند آن به طور معمول یک تصمیم الزام‌آوری است که طرف‌های اختلاف مکلف به پایبندی بدان هستند.<sup>۱</sup>

د) در نهایت، چهارمین عنصر اصلی نظام حل و فصل اختلاف مقرر در بخش پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای، گزینشی بودن آن است؛ بدین معنا که هر دولت عضو یکی از روش‌های چهارگانه حل و فصل اختلاف را به اختیار خود برمی‌گزیند: دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای، داوری و داوری ویژه (ماده ۲۸۷)

### ۱-۳. دادگاه‌های داوری طبق ضمیمه هفتم

این دادگاه‌ها از پنج نفر عضو تشکیل می‌شود که یک نفر را هر کدام از طرفین انتخاب و سه نفر دیگر را به طور مشترک انتخاب می‌کنند. انتخاب از فهرستی انجام می‌گیرد که هر یک از اعضای کنوانسیون چهار نفر را برای درج نامشان در آن معرفی می‌کنند. اگر طرفین اختلاف نتوانند درباره انتخاب سه داور مشترک توافق کنند، افراد مزبور توسط رئیس دیوان بین‌المللی حقوق دریاهای انتخاب می‌شوند.<sup>۲</sup>

### ۱-۴. دیوان ویژه داوری طبق ضمیمه هشتم

این دیوان فقط در اختلافات ناشی از مسائل ماهیگیری، حفاظت محیط زیست، تحقیقات دریایی یا دریانوردی صلاحیت رسیدگی دارد. این دیوان مثل دیوان بین‌المللی دادگستری که چهارمین مرجع ذکر شده در ماده ۲۸۷ است، از قواعد کنوانسیون ۱۹۸۲ و سایر قواعد حقوق بین‌الملل پیروی می‌کند، ولی طرفین دعوی حق دارند توافق کنند که تصمیمات متخذه براساس اصول عمومی عدل و انصاف استوار باشد (ماده ۲۹۳). کلیه تصمیمات با اکثریت آراء اتخاذ می‌گردد و این آرای مستدل، برای طرفین قطعی و لازم الاجرا است. اگر دولتی هیچ کدام از مراجع مندرج در ماده ۲۸۷ را انتخاب نکرده باشد، روش داوری پیش‌بینی شده در ضمیمه هفتم برای آن دولت پذیرفته شده تلقی می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۲. بررسی آسیب شناسانه نظام حل و فصل اختلافات در کنوانسیون ۱۹۸۲

#### ۲-۱. بررسی آسیب شناسانه ماده ۲۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای

ماده ۱۹۷ کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای قاعده کلی درخصوص اعمال حقوق حاکمیتی یا صلاحیت دولت ساحلی مقرر در کنوانسیون را مورد تأکید دوباره قرار می‌دهد، این در حالی است که در بندهای متعاقب آن، کاربرد این حقوق را به دو گونه متفاوت از اختلافات محدود می‌کند.

ماده ۲۹۷ (بند دوم) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای به روشنی اشاره به بخش سیزدهم کنوانسیون دارد و همزمان کاربرد کلی بخش دوم را مورد شناسایی قرار می‌دهد. هر چند، این بند از ماده ۲۹۷ دربردارنده

۱. Boyle, Alan., (۲۰۰۷). Forum Shopping for UNCLOS Disputes Relating to Marine Scientific Research, in M. H. Nordquist and others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, pp. ۵۱۹-۵۴۰

۱. Soons, A. H. A., (۲۰۰۷). The Legal Regime of Marine Scientific Research: Current Issues, In M. H. Nordquist and others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff, pp. ۱۳۹-۱۶۶

۲. نوروزی، میثم، (۱۳۹۴)، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در نظام حقوقی دریاهای، مقاله پژوهشی دانشگاه تهران، ص ۷

۱. Allain, Jean, (۲۰۰۱), "The Role of the Presiding Judge in Cornering Respect for Decisions of International Courts", Michigan Journal of International Law, Vol. ۲۲, No. ۳,

برخی استثنائات مهم مربوط به حل و فصل مسایل ماهوی است که منعکس‌کننده اختلافات پیچیده‌تر و ظریف‌تر در منافع دولت‌ها، در جریان مذاکرات کنفرانس سوم حقوق دریا است.<sup>۲</sup>

نقطه ضعف دیگر نظام حل و فصل اختلاف‌های کنوانسیون ۱۹۸۲ به عدم جامعیت آن باز می‌گردد. برابر بخش سوم از فصل پانزدهم، مواد ۲۹۷ و ۲۹۸، بسیاری از قواعد ماهوی کنوانسیون ناظر بر اقدام دولت‌های ساحلی در منطقه انحصاری، اقتصادی و تحدید حدود مرزهای دریایی، ... از شمول نظام اجباری حل و فصل اختلاف‌های معاهده ۱۹۸۲ خارج شده‌اند. این قواعد ماهوی کنوانسیون بیشترین عرصه اختلاف میان دولت‌های عضو می‌باشد. پیش‌بینی محدودیت و استثناءها بر صلاحیت اجباری حل و فصل اختلاف‌های کنوانسیون شاید تنها چاره به منظور حصول توافق در پذیرش متن معاهده بوده، اما باعث نقصان در کارایی و اثرگذاری آن شده است. این محدودیت‌ها که در تعداد موضوعات اندک هستند، شامل عمده اختلاف‌های دریایی می‌باشند که ارزش موضوع آن دعوی با اختلاف‌های مشمول نظام حل و فصل اجباری قابل مقایسه نمی‌باشند. به علاوه هر یک از گروه‌های استثناء شده دارای مصادیق زیادی اختلاف بالقوه و بالفعل می‌باشند. برخی نظریه‌پردازان معتقدند که اثر این مقررات بی‌فایده نمودن تمام نظام است. باید قبول کرد که با این استثنائات غالب اختلاف‌های بالقوه خارج از صلاحیت اجباری قرار می‌گیرند. البته در معاهدات جمعی چنین پدیده‌ای غیر منتظره نیست، اما اثرات منفی آن انکارناپذیر است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. بررسی آسیب شناسانه مواد ۲۸۰ تا ۲۸۳

بر اساس ماده ۲۸۰ معاهده ۱۹۸۲: «هیچ یک از مقررات این فصل ناقض حق دولت‌های عضو، در رسیدن به توافق برای حل اختلاف‌های ناشی از تفسیر یا اجرای این معاهده با هر نوع روش مسالمت‌آمیز نمی‌باشد». همین‌طور برابر ماده ۲۸۱ در فرضی که دولت‌های طرف اختلاف برای حل آن به روش دوستانه مورد نظر خود به توافق رسیده باشند، شیوه مقرر در کنوانسیون حاضر فقط در صورتی قابل اعمال است که روش مورد توافق به حل و فصل نهایی منجر نگردیده، در توافق نامه استفاده از شیوه دیگر ممنوع شده باشد.

یکی دیگر از نقایص نظام حل و فصل اختلاف‌های معاهده ۱۹۸۲ به ماده ۲۸۳ این سند مرتبط است. بر اساس این ماده صلاحیت اجباری ناشی از فصل پانزدهم شامل اختلاف میان دولت‌هایی نمی‌شود که برابر یک ترتیب دو جانبه، منطقه‌ای یا جهانی، به یک نظام اجباری دیگر برای حل و فصل اختلاف‌های خود توافق نموده باشند. این ترتیبات نسبت به نظام مقرر در فصل پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ دارای اولویت هستند.

با توجه به حجم انبوه توافقنامه و ترتیبات بین‌المللی ناظر بر حل و فصل اختلاف‌ها به روش حقوقی ماده ۲۸۲ در جلوگیری از صلاحیت نهادهای دآوری و قضایی معاهده ۱۹۸۲ دارای دامنه گسترده می‌باشد. توافقنامه‌های بین‌المللی حاوی تعهد حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها میان دولت‌ها، دارای تنوع زیادی هستند. طرف‌های یک اختلاف ممکن است یک موافقتنامه کلی در خصوص حل و فصل اختلاف‌های خود منعقد نمایند. همین‌طور، توافقنامه‌های چند جانبه زیادی وجود دارند که روش‌های مختلفی برای حل اختلاف‌های بین‌المللی پیش‌بینی نموده‌اند. انعقاد یک توافقنامه دو جانبه مربوط به یک یا چند موضوع و پیش‌بینی یک نظام حل و فصل اختلاف برای همین موضوعات در ضمیمه، بسیار متداول است. همچنین، توافقنامه‌های چند جانبه زیادی وجود دارند، همانند معاهداتی که با نظارت سازمان بین‌المللی دریانوردی منعقد شده‌اند، که دارای شرط دآوری برای حل اختلاف‌ها می‌باشند. در برخی مناطق جهان ترتیباتی برای حل اختلاف‌های خاص توسط سازمان منطقه‌ای، پیش‌بینی می‌شود.

اعلامیه‌های پذیرش صلاحیت اجباری «دیوان بین‌المللی دادگستری» اعلام اراده برای قبول صلاحیت است که باعث تقارن رضایت با دولت‌هایی می‌شود که این اعلامیه را صادر نموده یا می‌نمایند. با توجه به اینکه عبارت ماده ۲۸۲ به گونه‌ای است که شامل هر گونه توافق کلی، منطقه‌ای و دو جانبه می‌شود، نظام

۲. Rosenne, SH., (۱۹۷۸), The Settlement of Disputes in the New Law of the Sea, Iranian Review of International Relations, No. ۱۱-۱۲, pp. ۴۰۱-۴۳۳.

۱. Gudmundur Eiriksson, (۲۰۰۰), The International Tribunal for the Law of the Sea, Martinus Nijhoff Publishers, . p. ۱۲

اجباری مذکور در فصل پانزدهم معاهده ۱۹۸۲ شامل اختلاف‌هایی نمی‌شود که دیوان بین‌المللی دادگستری برای حل آن‌ها صلاحیت دارد.<sup>۱</sup> با صدور اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری از سوی دولت ایرلند در تاریخ ۱۵ سپتامبر ۲۰۱۱ تعداد دولت‌هایی که چنین اعلامیه‌ای را صادر نموده‌اند به ۶۷ کشور رسیده است. بنابراین هم اینک نظام حل و فصل اختلاف‌های معاهده ۱۹۸۲ در خصوص ۴۱ درصد از اعضای آن علی‌الاصول فاقد کارایی می‌باشد.

یکی از نتایج مهم مواد ۲۸۰ تا ۲۸۲ معاهده ۱۹۸۲ ارائه قاعده حل تعارض میان نهادهای حقوقی ذیصلاح بر اساس معاهده ۱۹۸۲ و نهادهای حقوقی خارج از معاهده می‌باشد. مواد پیش گفته در تمامی فروض نظام‌های حل و فصل بیرون از کنوانسیون را ذیصلاح دانسته است. بدین ترتیب، فصل پانزدهم کنوانسیون ۱۹۸۲ یک نظام مستقل و رقیب نظام حل و فصل اختلاف‌های حقوق بین‌الملل نبوده، بلکه به قصد تکمیل نظام موجود پیش‌بینی شده است. نتیجه منطقی این قواعد حل تعارض، کاهش شدید مراجعه به روش حل و فصل اختلاف‌های مذکور در فصل پانزدهم از معاهده حقوق دریاهای می‌باشد.

### ۲-۳. آسیب شناسی تکرر نهادهای حقوقی حل و فصل اختلاف‌ها

مشکل دیگر معاهده ۱۹۸۲ به تکرر نهادهای حقوقی حل و فصل اختلاف‌ها باز می‌گردد فصل پانزدهم نه تنها به اعلام صلاحیت اجباری یک روش قضایی یا داوری اکتفا نکرده، بلکه اجرای هر یک از روش‌های قضایی و داوری نیز به یک سازمان محدود نشده است. به عبارت دیگر، این معاهده صلاحیت رسیدگی به اختلاف‌های ناشی از تفسیر یا اجرا را میان چهار نهاد حقوقی سرشکن نموده است که نیمی از آن‌ها داوری و نیمی دیگر قضایی می‌باشند. ماده ۲۸۷ معاهده ۱۹۸۲ دولت‌های عضو را در اعلام پذیرش صلاحیت اجباری یکی از نهادهای حقوقی «دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای»، «دیوان بین‌المللی دادگستری»، «دیوان داوری موضوع ضمیمه هفتم» و «دیوان داوری خاص موضوع ضمیمه هشتم کنوانسیون»، مخبر کرده است. اما علاوه بر مراجع داوری و قضایی پیش گفته، نظام قضایی کنوانسیون از نهاد دیگری، تحت عنوان «شعبه حل اختلاف‌های بستر» با صلاحیت و شرح وظایف جداگانه بهره می‌برد که مرجع انحصاری حل اختلاف‌های مربوط به منطقه بین‌المللی بستر دریاهای می‌باشد.

«از نظر برخی حقوقدان‌ها تکرر نهادهای حقوقی مهمترین نقطه ضعف نظام حل و فصل اختلاف‌های معاهده ۱۹۸۲ می‌باشد. پیدایش «دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای» در کنار «دیوان بین‌المللی دادگستری» به عنوان نهادهای قضایی مستقر برای حل اختلاف‌های دریایی قابل درک نیست. همچنین امکان تشکیل دیوان‌های داوری برابر ضمیمه هفتم و هشتم کنوانسیون به تعداد نهادهای حقوقی ذیصلاح افزوده است. شعبه‌های ویژه و اختصاصی که درون «دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای» تشکیل شده یا می‌شوند در زمره این نهادهای متنوع قرار دارند. برابر برخی نظرها چنین وضعیتی به این معنا است که در تعداد محاکم محدودیتی وجود نداشته، برای حفظ یک نواختی و یک دستی در ارائه تفسیر از معاهده ۱۹۸۲ هیچ تضمینی وجود نخواهد داشت.»<sup>۱</sup>

### ۲-۴. مرزهای دریایی

معاهده ۱۹۸۲ در خصوص روش تعیین حدود «دریایی سرزمینی» میان دولت‌های مقابل و مجاور «خط منصف» را معیار اصلی اعلام نموده، اما در مواردی که اوضاع و احوال یا دلایل تاریخی به گونه‌ای دیگر اقتضا نماید، اجازه عدم لحاظ خط منصف داده شده است.<sup>۲</sup> با توجه به انعطاف‌پذیر بودن اصطلاحات «اوضاع و احوال» و «دلایل تاریخی» معنای دقیق و دامنه آن‌ها مشخص نبوده، رویه قضایی بین‌المللی نیز با وجود برخی تلاش‌ها و توفیق‌ها، نتوانسته این نقص مهم را برطرف نماید. مقررات کنوانسیون در خصوص شیوه تعیین حدود «منطقه انحصاری، اقتصادی» و «فلات قاره» میان دولت‌های مجاور و مقابل، دارای نقیصه

۱. United Nations Convention on the Law of the Sea A Commentary, ۱۹۸۴, Vol. V, p. ۲۷.

۱. Thomas A. Mansah, (۱۹۹۹) "The Role of Peaceful Dispute Settlement in Contemporary Ocean Policy and Law", in Order for the Oceans at the Turn of the Century, edited by Davor Vidas and Willy Ostreng, Kluwer Law international, , p. ۹۱.

۲. UNCLOS, Art. ۱۰.

بزرگتری می‌باشند. چون که به لزوم حصول توافق میان دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل به منظور رسیدن به راه حل منصفانه اکتفاء نموده‌اند.<sup>۳</sup> بنا بر وضع موجود هر دولتی می‌تواند با استناد به «انصاف» منافع ملی خود را تعقیب نموده، هرگونه تفسیر دیگر را بر خلاف حقوق بین‌الملل موضوعه بداند. لزوم رسیدن به راه حل منصفانه نمی‌تواند شرایط لازم برای یک قاعده حقوقی را داشته باشد. بنابراین می‌توان بر آن بود، حقوق دریاها در خصوص تحدید حدود فلات قاره و منطقه انحصاری، اقتصادی میان دولت‌های مجاور و مقابل قابل قاعده حقوقی بوده، نظام حل و فصل اختلاف‌های آن نیز در خصوص این موضوع کارآمد نخواهد بود.

«حقوق مرزهای دریایی غیر منجز بوده»<sup>۱</sup> و «محدودیت قواعد منجز در امر تحدید حدود دریایی باعث آزادی عمل قضات بین‌المللی گردیده است»<sup>۲</sup>. رویه قضایی بین‌المللی این نقیصه را برطرف نکرده به گونه‌ای که امروزه عدم یکنواختی رویه دیوان‌های داور و قضایی بین‌المللی در خصوص موضوع را شاهد هستیم. دیوان بین‌المللی دادگستری «در طول دهه‌های گذشته از رویه یکسان برخوردار نبوده است»<sup>۳</sup>. به عنوان نمونه در بیان مصادیق «اوضاع و احوال مرتبط» «در قضایای فلات قاره دریای شمال»، فهرستی ارائه گردید که بی‌پایان به نظر می‌رسید. در قضایای بعدی چه در فلات قاره (حداقل کمتر از ۲۰۰ مایل دریایی) و چه دیگر مرزهای دریایی مهمترین اوضاع و احوال «وضعیت جغرافیایی» اعلام گردید... در قضایای «فلات قاره دریای شمال» این نهاد برای خط منصف هیچ نقشی (حداقل در خصوص دولت‌های مجاور) قائل نشد، اما در قضایای اخیر (بحرین، قطر، کامرون و نیجریه) خط منصف نقطه آغاز تحدید حدود در ساحل‌های مجاور دانسته شد... به خصوص در قضیه اخیر به گونه‌ای عمل شد که به نظر می‌رسد که دیوان نسبت به عملکرد ۱۹۶۹ در قضایای دریای شمال چرخش ۱۸۰ درجه‌ای داشته است.<sup>۴</sup>

البته کلی بودن قواعد حقوق دریاها منحصر به تحدید حدود مناطق دریایی نبوده بلکه در خصوص قواعد ناظر بر صید، محیط زیست دریایی، این موضوع حادث‌تر بوده رویه قضایی نیز این اشکال را برطرف نکرده است. بررسی بیشتر این قواعد در حوصله مقاله حاضر نمی‌گنجد. برابر وضع فعلی دولت‌های طرف اختلاف از پیش‌بینی رای محاکمه حقوقی ناتوان بوده و هر میزان هم روش حل و فصل اختلاف‌ها کامل و بی‌نقص باشد، مورد استقبال قرار نخواهد گرفت.

### ۳. آسیب شناسی نظام حاکم بر حل و فصل اختلافات

به طور کلی دولت‌ها «اختلاف‌هایی را در دیوان‌های بین‌المللی مطرح می‌سازند که دارای اهمیت درخوری نباشد»<sup>۱</sup> چون که در عدم اطمینان از نتیجه یک تصمیم قضایی، دو طرف دعوا دارای وضعیت برابر بوده، در این زمینه، تمایزی بین خواهان و خوانده یک قضیه وجود ندارد.<sup>۲</sup> به همین دلیل دولت‌ها همواره نسبت به وجود یک نظام حل و فصل اختلاف‌های توانمند نگران بوده، تا حد امکان نسبت به آن بی‌انگیزه هستند. حقوق دریاها نیز از این قاعده مستثنی نبوده، یکی از عوامل تاثیرگذار در عدم توفیق نسبی نظام حل و فصل اختلاف‌های این شاخه از حقوق بین‌الملل، رویه دولت‌ها در خصوص این نظام حل و فصل اختلاف‌ها می‌باشد.

به علاوه، یکی از عوامل توفیق نظام حل و فصل اختلاف‌ها به چگونگی عملکرد نهادهای حقوقی بستگی دارد. اتخاذ تصمیم‌های صلاحیتی و ماهیتی برابر حقوق بین‌الملل موضوعه که توسعه تدریجی حقوق

۳. UNCLOS, Arts. ۷۴ and ۸۳.

۱. Benedict Kingbury, (۱۹۹۹), Foreword: "Is the Proliferation of International Courts and Tribunals a Systematic Problem?", Journal of International Law And Politics, Vol. ۳۱, p. ۱۸۲.

۲. Ibid

۳. Oceans Management, (۲۰۰۴) in the ۲۱ Century: Institutional Frameworks and Responses, edited by Donald R. Rothwell, Alex G. Oude, Martinus Nijhoff Publishers, p. ۱۳۰.

۴. Ibid

۱. Tafsir, Malick Ndiaye, (۲۰۱۰), in "the Advisory Function of the International Tribunal for the Law of the Sea", Chinese Journal of International Law, Vol. ۹, p. ۵۶۶.

۲. Alex G. Oude, (۲۰۰۴) "Oceans Management in the ۲۱ Century: Institutional Frameworks and Responses", edited by Donald R. Rothwell, Martinus Nijhoff Published, p. ۱۳۳.

موضوعه را در پی داشته، ایجاد سوابق قضایی یک نواخت و مناسب، از لوازم یک رویه قضایی موفق می‌باشد. از سوی دیگر صدور رای مبنی بر عدم صلاحیت برای رسیدگی به یک دعوای بین‌المللی در حالی که معاهده موجد صلاحیت تاب تفسیر مخالف را دارد، باعث سست شدن بنیان یک نظام حل و فصل اختلافها خواهد شد. به نظر می‌رسد رویه دیوان‌های حقوقی ناشی از معاهده ۱۹۸۲ در مواردی، درخور انتقاد بوده و تردیدها نسبت به توانمند بودن نظام حل و فصل اختلاف‌های حقوق دریاهای را گسترش داده است.

### ۳-۱. آسیب شناسی معاهدات داخلی بین اعضا

اگر چه معاهده حقوق دریاهای در ماده ۳۰۹ اعلام هرگونه حق شرط را از سوی دولت‌های عضو ممنوع دانسته، تا تمامی مقررات کنوانسیون به طور برابر میان اعضاء اعمال گردد. اما با توجه به ذیل بند اول از ماده ۲۸۱ در خصوص شیوه حل و فصل اختلافها، شبه معاهدات دو جانبه و منطقه‌ای یا جهانی توسط دیگر معاهدات بین‌المللی مجاز بوده، دولت‌ها توانسته‌اند معاهده‌های مختلف، نظام حل و فصل اختلاف‌های کنوانسیون را کنار گذاشته، نظام اجباری یا اختیاری دلخواه را جایگزین سازند. این مقرر به معنای نفی جهان شمولی نظام حل و فصل اختلاف‌های معاهده حقوق دریاهای است که متأسفانه از سوی دولت‌های عضو کنوانسیون مورد استقبال گسترده قرار گرفته، نظام اجباری و نسبتاً فراگیر کنوانسیون را با خلاءهای زیادی مواجه نموده است.

در قضیه «ماهی‌های تن بلوفین جنوبی» دعوای «استرالیا» و «نیوزیلند» علیه «ژاپن» یکی از استدلال‌های دولت ژاپن درباره عدم صلاحیت دیوان داوری اجباری موضوع ضمیمه هفتم معاهده ۱۹۸۲ در رسیدگی به دعوا، همین رویه دولت‌ها بود. این دولت در دفاعیه خود فهرست ۱۰۷ قرارداد خاص دوجانبه و چندجانبه در خصوص حقوق دریاهای ارائه داد، که دارای مقرراتی درباره حل و فصل اختلافها به روش غیر اجباری می‌باشند. از نظر این دولت چنین حجم انبوه از توافقنامه‌ها نشانگر رویه گسترده دولت‌ها بوده که باید در تفسیر مقررات مذکور در فصل پنزدهم معاهده ۱۹۸۲ مورد توجه واقع شود. طرف‌های این معاهدات روش‌های گوناگون غیر اجباری را برای حل اختلاف پیش‌بینی نموده‌اند. چنین مقرراتی هرگز به عنوان مخالفت با تعهدات کنوانسیون حقوق دریاهای تفسیر نشده است.<sup>۱</sup> این استدلال ژاپن از سوی دیوان داوری در صدور رای عدم صلاحیت مورد استقبال قرار گرفت. برابر نظر دیوان تعداد زیادی توافقنامه‌های مرتبط با حقوق دریاهای، پس از تصویب معاهده ۱۹۸۲ منعقد شده‌اند که «با میزان متفاوتی از صراحت، تقدیم یک جانبه اختلاف به آیین اجباری یا نهاد داوری را منع نموده‌اند»<sup>۲</sup> از نظر این نهاد داوری بین‌المللی «بسیاری از این توافقنامه‌ها صریحاً شیوه‌ای از حل و فصل را پیش‌بینی کرده‌اند که بهره‌گیری از آن، توافق لاحق طرف‌ها را اقتضاء دارد. این روش‌ها ممکن است، مذاکره یا سازش یا استفاده از «دیوان بین‌المللی دادگستری» یا روش‌های داوری به شرط توافق کلیه دولت‌های طرف اختلاف بوده باشند. در برخی دیگر از این توافقنامه‌ها ارجاع یک جانبه اختلاف به نظام قضایی یا داوری ممنوع گردیده است.»<sup>۱</sup> از نظر دیوان این توافقنامه‌ها تشکیل دهنده رویه دولت‌ها می‌باشند که قبل یا بعد از تصویب معاهده ۱۹۸۲ اتخاذ گردیده است. این رویه «این نتیجه را حکایت می‌کند که دولت‌های عضو معاهده حقوق دریاهای می‌توانند با توافق، ارجاع اختلاف خود را به روش اجباری ... ممنوع سازند.»<sup>۲</sup>

البته بیان پیش گفته به معنای اقدام تمامی دولت‌های عضو معاهده ۱۹۸۲ در طرد روش حل و فصل اختلاف‌های کنوانسیون نبوده بلکه تعدادی موافقتنامه بعد از تصویب کنوانسیون لازم الاجرا شده‌اند که به نظام حل و فصل اختلاف‌های کنوانسیون وفادار مانده و استفاده از این روش را مورد تأکید مجدد قرار

۱. Second Round Presentation, May ۱۱, (۲۰۰۰), available at: [www.worldbank.org/icsid/bluefintuna](http://www.worldbank.org/icsid/bluefintuna) (در تاریخ

۱۳۹۰/۰۶/۱۳).

۲. Southern Bluefin, (۲۰۰۰), Tuna (New Zealand- Japan, Australia- Japan), ۴ August ۲۰۰۰, para. ۶۳

۱. Ibid

۲. Ibid

داده‌اند. برخی از این قراردادها از سوی دولت‌های «نیوزیلند» و «استرالیا» در قضیه پیش گفته احصاء شده‌اند.

نتیجه آن که مقررات مذکور در مواد ۲۸۰ تا ۲۸۲ معاهده ۱۹۸۲ مبنی بر اولویت دیگر نظام‌های حل اختلافها نسبت به روش مذکور در فصل پانزدهم کنوانسیون با رویه دولت‌ها در پیش‌بینی گسترده روش خاص فیصله اختلافها، به یک استثناء بزرگ در نظام حل و فصل اختلافها به روش اجباری تبدیل شده، فراگیری و جهان شمولی آن را با ابهام جدی مواجه ساخته است. به عبارت دیگر بسیاری از نمایندگان دولت‌ها بعد از تصویب متن کنوانسیون در "مونتگویی" و پیش‌بینی نظام اجباری حل و فصلها اختلافها به پایتخت‌های خود بازگشته و در معاهده‌های لاحق این نظام اجباری را کنار گذاشته، عدم رونق نظام حل و فصل اختلافهای مذکور در فصل پانزدهم از کنوانسیون حقوق دریاهای را موجب شده‌اند.

عدم همکاری دولت‌ها در کاربردی شدن نظام حل و فصل اختلافهای معاهده حقوق دریاهای موضوع پیش گفته محدود نمی‌باشد. بر اساس ماده ۲۸۷ معاهده ۱۹۸۲ دولت‌ها در هنگام عضویت یا هر زمان دیگر می‌توانند با صدور اعلامیه یکی از چهار نهاد قضایی یا داوری مذکور در ماده ۲۸۷ را ذی صلاح اجباری برای حل اختلافهای خود اعلام نمایند. همین طور برابر مواد ۲۹۷ و ۲۹۸، کنوانسیون برای اعضایش این امکان را پیش‌بینی نموده تا نسبت به خروج برخی اختلافهای مربوط به تفسیر یا اجرای معاهده حقوق دریاهای از صلاحیت اجباری اقدام نمایند. رویه دولت‌ها در صدور این اعلامیه‌ها از عدم اهتمام آن‌ها در این خصوص حکایت دارد. از مجموع ۱۱۴ اعلامیه صادره از سوی دولت‌ها درباره معاهده حقوق دریاهای تعداد ۵۰ اعلامیه به حل و فصل اختلافها مربوط بوده است. تا کنون ۳۱ دولت از تمام یا برخی از تحفظها مذکور ماده ۲۹۸ استفاده نموده‌اند. تمامی این دولت‌ها نسبت به بند اول از ماده پیش گفته اعلام شرط نموده‌اند و فقط دولت‌های "دانمارک" و "نروژ" و "اسلوانی" نسبت به تمامی اختلافهای مذکور در ماده ۲۹۸ تحفظ داشته‌اند. اعلامیه دولت‌های "کوبا" و "کینه بیسائو" در خصوص موضوع از نظر حقوقی غیر قابل درک است. چون که صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص اختلافهای مذکور در ماده ۲۹۸ را مورد تحفظ قرار داده‌اند. در حالی که برابر اعلامیه صادره از سوی این دو دولت، دیوان مزبور فاقد صلاحیت رسیدگی به اختلافهای آن‌ها با دیگر دولت‌های عضو معاهده ۱۹۸۲ می‌باشد. در خصوص اعلامیه دولت‌ها مبنی بر پذیرش صلاحیت یکی از نهادهای قضایی یا داوری برای حل اختلاف، تاکنون ۴۵ کشور اعلامیه صادر نموده‌اند. البته بیان ریاست دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای مبنی بر اینکه «از این تعداد ۳۳ دولت صلاحیت "دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای" را پذیرفته‌اند»<sup>۱</sup> اغراق‌آمیز می‌باشد. چون که بسیاری از دولت‌ها در اعلامیه خود، علاوه بر دادگاه مذکور صلاحیت نهاد دیگری را نیز پذیرفته‌اند فقط ۸ دولت نهاد انحصاری خود را به منظور حل اختلافها در تفسیر و اجرای معاهده ۱۹۸۲ "دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای" اعلام نموده‌اند. البته در این خصوص وضعیت دادگاه نسبت به دیوان بین‌المللی دادگستری بهتر می‌باشد. چون که فقط ۴ دولت صلاحیت انحصاری دیوان لاهه را قبول نموده‌اند. به عبارت دیگر تنها حدود یک پنجم از دولت‌ها اعلامیه موضوع ماده ۲۸۷ را صادر و در خصوص روش حل و فصل اختلاف اهتمام داشته‌اند. برخی دولت‌ها به نفی صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری اکتفاء نموده، برخی دیگر دو یا سه نهاد را مرجع دانسته‌اند.

در نتیجه برابر وضع موجود از اعلام تحفظ دولت‌ها نسبت به نظام حل و فصل اختلافهای حقوق دریاهای، مناطق دریایی «آمریکای جنوبی، بیشتر سطح دریای مدیترانه، و آمریکای شمالی از صلاحیت اجباری معاهده ۱۹۸۲ خارج می‌باشند. البته مناطق آسیای شرق و آفریقا و حوزه کارائیب، تحت صلاحیت اجباری قرار خواهند گرفت.»<sup>۲</sup> از سوی دیگر رویه دولت‌ها در صدور اعلامیه موضوع ماده ۲۸۷ معاهده ۱۹۸۲

۱. <http://www.un.org/Depts/los/settlement-of-dispute/choice-procedure.htm>. ۵/۱۰/۲۰۱۱.

۲. [http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/statements-of-president/yanai/Statement\\_Yanai\\_GA\\_۰۶۱۲۱۱.pdf](http://www.itlos.org/fileadmin/itlos/documents/statements-of-president/yanai/Statement_Yanai_GA_۰۶۱۲۱۱.pdf). ۱۰/۵/۲۰۱۱.

۱. Tullio Treves (۲۰۰۶)، "What Have the United Nation Convention and the International Tribunal for the Law of the Sea or Offer as Regards Maritime Delimitation Disputes?"، in Maritime Delimitation, edited by Rainer Lagoni and Daniel Vigen, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden/ Boston, p.۷۰.



مشکل‌های ناشی از تعدد نهادهای حل و فصل اختلاف‌ها را حادثر نموده است. بدین ترتیب شناخت مرجع ذیصلاح برای حل اختلاف‌ها دشوارتر شده، روان بودن کارکرد نظام مورد تردید بیشتر قرار گرفته است. بعد از بیان رویه دولت‌ها عضو معاهده ۱۹۸۲ در گفتار آینده به بررسی عملکرد نهادهای حقوقی حل و فصل اختلاف‌های حقوق دریاهای خواهیم پرداخت.

### ۳-۲. عملکرد نهادهای حقوقی حل و فصل اختلاف‌ها

گفته شد دولت‌های عضو معاهده ۱۹۸۲ در بهره‌گیری از روش حل اختلاف‌های موضوع فصل پانزدهم بی‌ رغبت بوده، تاکنون تنها در هشت قضیه نسبتاً مهم از قابلیت‌های این نظام استفاده نموده‌اند. متأسفانه در دو مورد از هشت قضیه پیش‌گفته "نهاد داوری متشکل بر طبق ضمیمه هفتم کنوانسیون" دولت خواهان را از اقامه دعوا نزد خود، پشیمان کرده است. در قضیه "ماکس پلنت"<sup>۱</sup> دعوای دولت ایرلند علیه انگلستان، دیوان داوری به اولویت دیوان دادگستری جامعه اروپا برای اعلام نظر در خصوص برخی از جنبه‌ها دعوا نظر دارد و در قضیه "ماهی‌های تن بلوفین جنوبی" دعوای "استرالیا" و "نیوزیلند" علیه "ژاپن" به عدم صلاحیت خود در رسیدگی به دعوا رای داد.

در قضیه اخیر دیوان داوری می‌گوید: «ماده ۱۶ کنوانسیون ۱۹۹۳ به عنوان توافق طرف‌های دعوای حاضر در انتخاب روش حل و فصل اختلاف، با شرایط مقرر در ماده ۲۸۰ و بند اول ماده ۲۸۱ کنوانسیون منطبق است»<sup>۲</sup> بنابراین طرف‌های دعوای حاضر باید به روش‌های مذکور در ماده ۱۶ معاهده ۱۹۹۳ متوسل شدند.

رای دیوان داوری به عنوان اولین دیوان متشکل بر اساس ضمیمه هفتم کنوانسیون متضمن اعتراف این نهاد به عدم جامعیت نظام حل و فصل اختلاف‌های معاهده حقوق دریاهای می‌باشد. چون که این رای با اصل دانستن صلاحیت نهادهای خارج از کنوانسیون، کمترین تردید در این خصوص را به نفع صلاحیت این نهادها تفسیر کرده است.<sup>۳</sup> در حالی که معاهده ۱۹۹۳ صریحاً عدم بهره‌گیری از روش حل و فصل اختلاف‌ها در معاهده ۱۹۸۲ را مطرح نکرده بلکه فقط رضایت دولت‌های طرف اختلاف را به منظور تشکیل نهاد داوری یا استفاده از دیوان بین‌المللی دادگستری، ضروری دانسته است.

به نظر می‌رسد هر چند ضمیمه معاهده ۱۹۹۳ در خصوص تشکیل دیوان داوری است، اما اعلام صلاحیت این نهاد نمی‌تواند منطقیاً به معنای نفی صلاحیت شیوه حل و فصل اختلاف‌ها در معاهده ۱۹۸۲ تفسیر شود. دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در این خصوص نص جالبی دارد: «ترتیبات جدید صلاحیتی بزوماً نسخ ترتیب‌های پیشین نمی‌باشند»<sup>۴</sup> اقدام دیوان داوری موضوع ضمیمه هفتم کنوانسیون، در بردارنده یک تفسیر موسع از مواد ۲۸۰ و ۲۸۱ کنوانسیون بوده، نقایص کنوانسیون را درباره قواعد حل تعارض گسترده‌تر نموده است.

در قضیه "ماکس پلنت" اختلاف میان ایرلند علیه انگلستان، ایرلند به منظور حل ماهیتی اختلاف تشکیل دیوان داوری موضوع ضمیمه هفتم معاهده حقوق دریاهای را تقاضا کرد. این دیوان در ابتدا صلاحیت اصولی خود را در رسیدگی به پرونده مفرض اعلام کرد.<sup>۵</sup> اما متأسفانه در نهایت مجال ابراز نظر قطعی در صلاحیت و ماهیت قضیه پیدا نکرد. چون که برابر قرار مورخ ۲۴ ژوئن ۲۰۰۳ رسیدگی صلاحیتی و ماهیتی

۲. MOX Plant

۱. Southern Bluefin (۲۰۰۰), Tuna (New Zealand-Japan, Australia-Japan), ۴, p. ۵۵.

۲. Southern Bluefin (۲۰۰۰), Tuna Case, Australia and New Zealand v. Japan, Australia and New Zealand, reply on Jurisdiction, Vol. ۱, Text, March ۳۱, p. ۳۱.

۳. The Electricity Company of Sofia and Bulgaria, (۱۹۳۹), Permanent Court of International Justice, Preliminary Objections, Ser. A/B, No. ۷۷.

۴. Arbitral Tribunal Constituted Pursuant to Article ۲۸۷, and Article ۱ of Annex VII, of the United Nations Conventions on the Law of the Sea for the Dispute Concerning the MOX Plant, International Movements of Radioactive Materials, and the Protection of the Marine Environment of the Irish Sea. The MOX Plant Case. Ireland V. United Kingdom. Order N°۳. Suspension of Proceedings on Jurisdiction and Merits, and Request for Further Provisional Measures, p. ۱۷.

پرونده تا وقتی که وضعیت روشنی از حقوق جامعه اروپایی و وقایع عینی در خصوص اقامه دعوا نزد مجامع دیگر بدست آید، تعلیق گردید. دیوان در بیان علت این تصمیم خود می‌گوید: «هر چند از استدلال‌های طرفین، دیوان به این نتیجه رسیده است که برخی جنبه‌های این اختلاف در صلاحیت انحصاری جامعه اروپایی نمی‌باشد... اما در تعیین مصداق‌های این جنبه‌ها طرف‌های دعوا و خود دیوان دچار تردید هستند. به علاوه این مقررات به گونه‌ای مستقل نیستند که به طور قطع بتوان در خصوص آنان تصمیم‌گیری نمود. در نهایت دیوان بر این عقیده است که طرف‌های اختلاف در خصوص عمق و اثرات قوانین جامعه اروپایی مرتبط با این اختلاف، اختیار تصمیم‌گیری را ندارند، بلکه در این خصوص نهادهای اروپایی به خصوص جامعه اروپایی باید اعلام نظر نمایند.»<sup>۲</sup> این قرار دوباره در تاریخ ۱۴ نوامبر ۲۰۰۳ تمدید گردید،<sup>۳</sup> و در نهایت با استرداد دعوا از سوی کشور ایرلند دیوان داوری طی قرار مورخ ۶ ژوئن ۲۰۰۶ پایان رسیدگی را اعلام نمود. به نظر می‌رسد در خصوص این قضیه نیز به اقدام دیوان داوری انتقاد جدی وارد است. زیرا تمامی اسنادی که در اختلاف مطروح ذیربط بودند در دسترس دیوان داوری بوده و اخذ نظریه نهادهای قضایی دیگر بدعتی غیر قابل درک بوده، نوعی استنکاف از احقاق حق محسوب می‌شود که اعتبار یک دیوان داوری بین‌المللی را متزلزل می‌نماید. نتیجه آن که عدم حصول نتیجه مهم مبنی بر "حفاظت از منابع جاندار دریاها" و "محیط زیست دریایی" در دو قضیه از هشت پرونده مطروح در دیوان داوری اجباری عدم تلاش رویه قضایی در برطرف نمودن نقایص کنوانسیون و حادث‌تر نمودن مشکلات آن تعبیر می‌شود.

### نتیجه‌گیری

توفیق یا عدم توفیق روش حل و فصل اختلاف‌ها در هر نظام حقوقی، از جمله، به قواعد ماهوی آن نظام بستگی دارد. در واقع نظام حل و فصل اختلاف‌ها به منظور تضمین اجرای قواعد ماهوی پیش‌بینی می‌شوند. قواعد ماهوی موجد حق و تکلیف و قواعد شکلی ناظر بر حل اختلاف‌ها به عنوان مکمل یکدیگر عمل نموده، نقض هر یک بر دیگری تاثیرگذار است. قواعد عادلانه، منجر و قابل اجرا زمینه مناسبی برای توانمندی یک نظام حل و فصل حقوقی اختلاف‌ها است و در مقابل، قواعد مبهم و کلی مانع مهمی در این مسیر محسوب می‌شود.

متأسفانه بسیاری از قواعد مندرج در معاهده حقوق دریاها کلی و غیر منجر هستند، موجب کم اثر شدن نظام حل و فصل اختلاف‌ها در این بخش از حقوق بین‌المللی شده‌اند که حل این مشکل می‌توان به نظام عادلانه حل و فصل اختلافات در کنوانسیون ۱۹۸۲ بیانجامد.

دولت‌ها همواره نسبت به وجود یک نظام حل و فصل اختلاف‌های توانمند نگران بوده، تا حد امکان نسبت به آن بی‌انگیزه هستند. حقوق دریاها نیز از این قاعده مستثنی نبوده، یکی از عوامل تاثیرگذار در عدم توفیق نسبی نظام حل و فصل اختلاف‌های این شاخه از حقوق بین‌الملل، رویه دولت‌ها در خصوص این نظام حل و فصل اختلاف‌ها می‌باشد.

یکی از عوامل رشد و گسترش و توفیق نظام حل و فصل اختلاف‌ها، به چگونگی عملکرد نهادهای حقوقی بستگی دارد. اتخاذ تصمیم‌های صلاحیتی و ماهیتی برابر حقوق بین‌الملل موضوعه که توسعه تدریجی حقوق موضوعه را در پی داشته، ایجاد سوابق قضایی یک نواخت و مناسب، از لوازم یک رویه قضایی موفق می‌باشد. از سوی دیگر صدور رای مبنی بر عدم صلاحیت برای رسیدگی به یک دعوای بین‌المللی در حالی که معاهده موجد صلاحیت تاب تفسیر مخالف را دارد، باعث سست شدن بنیان یک نظام حل و فصل اختلاف‌ها خواهد شد.

به نظر می‌رسد رویه دیوان‌های حقوقی ناشی از معاهده ۱۹۸۲ در مواردی، درخور انتقاد بوده و تریدها نسبت به توانمند بودن نظام حل و فصل اختلاف‌های حقوق دریاها را گسترش داده است.

۱. Ibid., paras. ۲۰, ۳۰.

۲. Ibid., paras. ۲۶.

۳. MOX Plant Case, Order No ۴.

## منابع و مأخذ

۱. نوروزی، میثم، (۱۳۹۴)، حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات در نظام حقوقی دریاها، مقاله پژوهشی دانشگاه تهران

۲. Alex G.Oude,(۲۰۰۴) “Oceans Management in the ۲۱ Century: Institutional Frameworks and Responses”, edited by Donald R.Rothwell, Martinus Nijhoff Published

۳. Allain, Jean, (۲۰۰۱), "The Role of the Presiding Judge in Cornering Respect for Decisions of International Courts", Michigan Journal of International Law, Vol. ۲۲, No. ۳,

۴. Benedict Kingbury, (۱۹۹۹),Foreword: “Is the Prolifertaion of International Courts and Tribunals a Systematic Problem?”, Journal of International Law And Politics , Vol.۳۱,

۵. Boyle, Alan., (۲۰۰۷). Forum Shopping for UNCLOS Disputes Relating to Marine Scientific Research, in M. H. Nordquist and others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff,

۶. Gudmundur Eiriksson,(۲۰۰۰), The International Tribunal for the Law of the Sea, Martinus Nijhoff Publishers, ,

۷. Oceans Management,(۲۰۰۴) in the ۲۱ Century: Institutional Frameworks and Responses, edited by Donald R. Rothwell, Alex G.Oude, Martinus Nijhoff Publishers

۸. Rosenne, SH., (۱۹۷۸),. The Settlement of Disputes in the New Law of the Sea, Iranian Review of International Relations, No. ۱۱-۱۲

۹. Soons, A. H. A., (۲۰۰۷),. The Legal Regime of Marine Scientific Research: Current Issues, In M. H. Nordquist and others, editors, Law, Science and Ocean Management, Martinus Nijhoff

۱۰. Southern Bluefin,(۲۰۰۰), Tuna (New Zealand- Japan, Australia- Japan), ۴ August ۲۰۰۰, para.۶۳

۱۱. Southern Bluefin ,(۲۰۰۰),Tuna Case, Australia and New Zealand v.Japan, Australia and New Zealand, reply on Jutisdiction, Vol. ۱, Text, March ۳۱

۱۲. Thomas A. Mansah, (۱۹۹۹)“The Role of Peaceful Dispute Settlement in Contemporary Ocean Policy and Law”, in Order for the Oceans at the Turn of the Century, edited by Davor Vidas and Willy Ostreng, Kluwer Law international

۱۳. Tafsir, Malick Ndiae,(۲۰۱۰), in “the Advisory Function of the International Trinunal for the Lae of the Sea”, Chinese Journal of International Lae, Vol. ۹

۱۴. Tullio Treves “(۲۰۰۶),What Have the United Nation Convention and the International Tribunal for the Law of the Sea or Offer as Regards Maritime Delimitation Disputes? “, in Maritime Delimitation, edited by Rainer Lagoni and Daniel Vogens, Martinus Nijhoff Publishers, Leiden/ Boston, p.۷۰.

۱۵. The Electricity Company of Sofia and Bulgaria, (۱۹۳۹), Permanent Court of International Justice, Preliminary Objections, Ser. A/B, No.۷۷